



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۵، ش ۶ (پیاپی ۸۴)، بهمن و اسفند ۱۴۰۳، صص ۱۹۷-۲۳۹

مقاله پژوهشی

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23223081.1401.0.0.282.4>

ابعاد معنایی و نحوی زمان، نمود و وجهیت در صیغگان امری: مطالعه موردی کردی

رحمان ویسی حصار^{۱*}، ابراهیم بدخشان^۲، محمد احمدنژاد^۳

۱. دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
۲. دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
۳. استادیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

چکیده

هدف جستار حاضر بررسی رابطه بین ساخت‌های امری و نظام زمان، نمود و وجه در کردی است. روش تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد آخنوالد و دیکسون (2017) و الگوی رده‌شناختی وندراؤورا و همکاران (2005) است. داده‌های تحقیق نیز عمدتاً از طریق مصاحبه با گویشوران جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان داد که صیغگان امری در کردی مبتنی بر سه ساخت امری بوده، و چهار راهبرد امری نیز در کنار این ساخت‌ها برای بیان معانی امری بکار می‌روند. همچنین نتایج نشان داد که ساخت‌های امری روی محور زمان دارای نوعی توزیع نامتقارن بوده، و همچنین رفتارهای متفاوتی در رابطه با پدیدار زمان دستوری دارند. همچنین روشن شد که ساخت امری عمدتاً میل به ترکیب با افعالی دارد که خصلت پویایی (نمود) آن‌ها مثبت است. اما ساخت امری در فرایند تحمیل خصیصه پویایی افعال را خنثی ساخته و ساخت نهایی تنها مراحل مقدماتی رخداده را بازنمایی می‌کند. به همین دلیل ساخت امری با عملگرهای ناقص آغازی به راحتی ترکیب می‌شود چراکه این عملگرها تنها مراحل آغازی رخداده را بازنمایی می‌کنند، و همچنین تمایلی به ترکیب با عملگر استمراری ناقص ندارد، چراکه این عملگر عمدتاً مراحل میانی و پویای رخداده را بازنمایی می‌کند. از سوی دیگر ساخت امری به دلیل ویژگی‌های نمودی و زمانی هرگز نمود کامل را به خود نمی‌پذیرد، چراکه این نمود تجانس معنایی با ساخت امری ندارد. در نهایت نتایج نشان داد که در صورت هر گونه جایگشت ساخت امری در محور نامتقارن زمان، عملگرهای وجهی به‌عنوان اولین جایگزین برای آن‌ها ظاهر می‌شوند. نتایج بیانگر این است که عبارات امری و رهنمودی عمدتاً دچار فقر معنایی در لایه‌های رخداده بوده، و صرفاً چون یک کنش گفتار بیانی عمل می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: امری، نمود، زمان، وجهیت، زبان کردی سورانی، فرایند تحمیل.

Email: r.veisi@uok.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

سه‌گانهٔ زمان^۱، وجه^۲ و نمود^۳ در ترکیب با هم ساختار رخدادی یک گزاره را در سطح جمله برمی‌سازند. اما هر جمله‌گونه^۴ (خبری، پرسشی و امری) به‌دلیل ماهیت معناشناختی و هستی‌شناختی (بازنمایی یک واقعیت خاص بیرونی) خاص خود تعامل متفاوتی با این نظام سه‌وجهی دارد. همانگونه که در بخش‌های بعد نشان خواهیم داد عمدهٔ تحقیقات در این حوزه تاکنون متمرکز بر بررسی این نظام سه‌وجهی در جمله‌گونهٔ خبری بوده است. اما ماهیت این نظام سه‌وجهی در ساخت امری (خصوصاً در زبان‌های ایرانی) به روشنی مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا تحقیق حاضر تلاش می‌کند که ابعاد معناشناختی زمان، نمود و وجه را در انواع ساخت امری در کردی سورانی بررسی کند. در این راستا، ابتدا انواع ساخت امری در زبان کردی براساس رویکردهای رده‌شناسی تبیین شده، و سپس وضعیت نظام سه‌گانهٔ مذکور در هر ساخت بررسی می‌گردد؛ درنهایت تفاوت آن‌ها با جمله‌گونهٔ خبری نیز تبیین می‌شود. رویکردهای نظری مورد استفاده در این تحقیق در بخش سه با جزئیات بیشتری تشریح خواهد شد. با توجه به این مقدمه، تحقیق حاضر سعی می‌کند که پس از نیل به هدف الف، به پرسش‌های ب تا ج پاسخ دهد:

الف. تبیین ساخت‌ها و راهبردهای امری در کردی سورانی

ب. ابعاد معناشناختی و نحوی زمان، نمود و وجه در ساخت‌ها و راهبردهای امری چگونه است؟

ت. نظام سه‌گانهٔ مذکور در ساخت امری چه تفاوت‌هایی با برابرنهاد خود در ساخت خبری دارند؟

ج. تفاوت ساخت رخدادی گزاره‌های امری و خبری چگونه قابل تبیین است؟

برای پاسخ به پرسش‌های فوق، در مقالهٔ حاضر به بررسی داده‌هایی در گویش کردی سورانی (نوع متداول در نواحی موکریان مانند بوکان و سقز) می‌پردازیم. داده‌های مذکور براساس پرسش‌نامه و مصاحبه از گویشوران بومی به‌دست آمده است. از سوی دیگر، در مواردی برخی از داده‌ها براساس شم زبانی نگارندگان نیز برساخته شده‌اند. مقالهٔ حاضر از چند

بخش تشکیل شده است. در بخش دو ابتدا به صورت خلاصه، پیشینه تحقیق را تشریح کرده، و سپس در بخش سوم به تبیین چهارچوب نظری و روش تحقیق خواهیم پرداخت. در نهایت در بخش چهارم، داده‌های این تحقیق مورد واکاوی قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق در بخش پنجم ارائه می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

در این بخش به پیشینه تحقیق در باب زمان، نمود و وجه و تبلور نحوی و معنایی آن‌ها در زبان کردی می‌پردازیم. با بررسی ادبیات تحقیق روشن شد که تحقیقات معدودی در این حوزه در کردی انجام شده است، که البته عمده تحقیقات مورد نظر متمرکز بر بررسی نظام سه‌وجهی فوق در جمله‌گونه خبری هستند. در واقع این امر اصلی‌ترین خلأ نظری مشهود در ادبیات مذکور است. در ادامه به تعدادی از این تحقیقات اشاره می‌کنیم.

یکی از تحقیقات اولیه در این رابطه مربوط به راهنمای دستور جامع کردی (انجمن علمی ۱۹۷۶) است. هدف این تحقیق عمدتاً توصیفی و آموزشی است. این مطالعه زمان را در جملات خبری بررسی کرده و زمان را به سه بخش گذشته، حال و آینده تقسیم می‌کند. در مطالعه فوق تحلیل‌ها هنوز سنتی و تجویزی هستند؛ همچنین ابعاد متفاوت زمان و نمود دستوری از هم تفکیک نشده و ساخت‌های نمودی به‌عنوان ساخت‌های زمانی لحاظ شده‌اند (نک: انجمن علمی، ۱۹۸۵؛ نیز، ۱۹۷۶). در این تحقیق، ابعاد نحوی و معنایی این نظام سه‌وجهی در ساخت امری مورد بررسی قرار نگرفته است.

به تدریج رویکردهای زبان‌شناختی و توصیفی نیز در این حوزه برای تبیین زمان و نمود در کردی ظاهر شد (محوی، ۲۰۱۱؛ ویسی، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷؛ نجفی، ۲۰۱۶). اما عمده این تحقیقات نیز این ابعاد معنایی را تنها در چهارچوب جملات خبری و غیررهنمودی بررسی کرده، و نوع رفتار آن‌ها را در صیغگان امری به کل نادیده گرفته‌اند. این در حالی است که می‌توان پیش‌بینی کرد رفتار معناشناختی و حتی نحوی این عناصر در صیغگان امری به کل متفاوت خواهد بود. در این تحقیقات با توجه صرف به جمله‌گونه خبری، کردی یک زبان با نظام دوشقی زمانی (گذشته و غیرگذشته) دانسته شده، که فاقد زمان آینده است. از سوی دیگر در این تحقیقات طبقات متفاوت

نمودی (واژگانی و دستوری) در ساخت‌های خبری مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما تعامل معنایی و منطقی ابعاد نمودی در صیغگان امری به هیچ وجه مورد مطالعه قرار نگرفته است. اگرچه یافته‌های فوق‌الذکر برای تبیین ابعاد معنایی یک ساخت خبری می‌تواند روشنگر باشد، اما به هیچ وجه رفتار عناصر آن نظام سه‌وجهی را در یک صیغگان امری پیش‌بینی نمی‌کند. به همین دلیل لازم است که از نو این موارد در درون ساخت امری مورد بررسی قرار گیرند.

از سوی دیگر تحقیقاتی نیز در باب ساخت امری در کردی انجام گرفته است. برای مثال ویسی (2021) در مقاله‌ای در پی بررسی و توصیف ساخت امری در زبان کردی است. او استدلال می‌کند که زبان کردی جزو زبان‌هایی است که دارای دو ساخت امری ساخت‌واژی (دوم شخص مفرد و جمع) و چهار ساخت تحلیلی امری است. اگرچه او تلاش می‌کند که انواع ساخت امری را در کردی تبیین کند، اما او نیز نظام سه‌گانه مورد بحث را در کار خود نادیده می‌گیرد. گفتنی است که مقاله حاضر تبیین نوینی از صیغگان امری در کردی ارائه می‌دهد که با یافته‌های ویسی (۱۴۰۰) متفاوت است.

۳. چهارچوب نظری و روش تحقیق

در این بخش چهارچوب نظری و روش تحقیق مطالعه حاضر بررسی می‌شود. در ابتدا رابطه نظام سه‌وجهی با سه جمله‌گونه امری، خبری و پرسشی بررسی شده، و سپس به تبیین رویکرد نظری به ساخت امری می‌پردازیم.

۳-۱. نظام سه‌وجهی و جمله‌گونه‌های اصلی

معناشناسان (Lyons 1977, p. 745; Huddleston 1984, p. 350; Jary & Kissine 2014, pp. 10, 22; 2016, p. 127-8) پرسشی و امری تقسیم کرده و برای هر کدام وجهیت جمله‌ای^۱ متفاوتی در نظر می‌گیرند. علت تقسیم جملات بر این سیاق این است که هر جمله به نوعی هم‌بسته و بیانگر نوعی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی متفاوتی است. بدین معنا که هر کدام نه تنها پدیدارهای متفاوتی را نشان می‌دهند، بلکه اساساً ماهیت صدق و دلالت آن‌ها نیز با هم متفاوت است. اگر جملات خبری برحسب فرانش

ایدگانی^۱ در جهت افشای حکمی صادق یا کاذب در باب پدیداری بیرونی عمل می‌کنند، اما جمله‌گونه امری با نقشی رهنمودی^۲ در صدد انشای حکمی ذهنی بر واقعیت بیرونی براساس خواست گوینده (Lyons 1977, p. 746; Van der Auwera et la, 2005, p. 294) است. به همین دلیل سرل (1976, p. 11) در تفکیک این دو از هم جهت فلش زبان به سوی جهان را در گروه امری از سوی گفتار به سمت جهان می‌داند. لذا تمام قواعد معنایی و هستی‌شناختی حاکم بر جمله‌گونه خبری در این ساخت نو (امری) واژگونه می‌شود. رابطه یک‌سویه فلش گفتار به سمت واقعیت در معناشناسی ساخت امری براساس مفاهیم متعددی (مانند میل گوینده، دلیل گوینده و اعمال نیرو Takahashi 2012, p. 58; Jary & Kissine 2014, p. 58; Lyons 1977, p. 746) تبیین شده است.

به دلیل تفاوت بنیادی ساخت امری با ساخت‌های دیگر در ابعاد هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، این ساخت تعامل بسیار متفاوتی با عناصر بنیادی دستوری و معنایی دارد. به عبارت دیگر پیوند امری با زمان و نمود واژگانی و دستوری به شدت متفاوت از پیوند جملات خبری با این قبیل امور است. می‌دانیم که زمان و نمود با هم ابعاد پویایی و حرکتی رخدادها را در واقعیت نشان می‌دهند، اما چون جملات امری تلقی متفاوتی از امر واقعی دارند، لذا تعامل بسیار متفاوتی با این عناصر معنایی دارند. اما عمده معناشناسان در بررسی زمان و نمود پیوسته بر تبلور این دو در ساخت‌های خبری به عنوان گفتمان وابسته به واقعیت بیرونی تکیه کرده‌اند (Reichenbach 1974; Comrie 1985; Binnick 1991; Klein 1994; Evans 2005). لذا برای تعیین جایگاه هستی‌شناختی یک پدیدار، همیشه در کنار نقطه صفر سخن^۳ به نقطه رخداد واقعی^۴ روی محور زمان در واقعیت بیرونی تکیه کرده‌اند، این در حالی است که عناصری چون نقطه رخداد و یا نقطه ارجاع^۵ هرگز به همان شیوه متعارف در یک ساخت امری معنا پیدا نمی‌کنند. لذا منطق معناشناختی چنین اموری در ساختارهای امری به کل متفاوت خواهد بود. به همین سیاق نمود واژگانی به عنوان مؤلفه‌های بیانگر خصلت فیزیکی یک رخداد پیوسته با جمله‌گونه‌های خبری مطرح شده است (Comrie 1976; Dowty 1979; Moens et la 1988; Smith 1997). خصایص معنایی مانند پویایی^{۱۱}، تداوم^{۱۲} و اتمام‌پذیری^{۱۳} وابسته به واقعیات بیرونی هستند.

اما زمانی که در نظر بیاوریم که یک فعل رهنمودی نه از جهان بلکه از زبان نشئت می‌گیرد، آنگاه متوجه خواهیم شد که باید منتظر تعامل بسیار متفاوت ساخت امری با این گونه امور باشیم.

۲-۳. ساخت امری: ماهیت و نقش آن

ساخت امری اگرچه به‌عنوان یک جمله‌گونه مستقل نزد معناشناسان به رسمیت شناخته شده است، اما در باب ماهیت آن نظرات متفاوتی وجود دارد. برای مثال لاینز (1977) و سرل (1976) آن را براساس تحمیل رهنمود گوینده بر شنونده براساس میل درونی‌اش تعریف کرده، و تاکاهاشی (2012) آن را بر حسب منظومه‌ای از مؤلفه‌های طرح‌واره‌ای مانند میل^۴، قدرت^۵، هزینه^۶، درجهٔ تحمیل^۷ و غیره تبیین می‌کند. اما جری و کیسنه (2014, p. 58) نشان می‌دهند که هیچ کدام از این موارد توانایی تعریف جامع و مانعی از امری را ندارند، به عبارت دیگر یا این تعاریف بسیار محدود بوده، و بخش زیادی از انواع امری را از دایرهٔ امر خارج کرده، و یا آنقدر تعاریف گسترده است که ساخت‌های غیرامری را هم در برمی‌گیرد. لذا آن‌ها ساخت امری را براساس بیان دلیلی^۸ برای شنونده در راستای اجبار او بر انجام کاری تعریف می‌کنند. آن‌ها واژهٔ دلیل را به جای میل انتخاب می‌کنند تا طیف متفاوت انواع امر (فرمان، درخواست، توصیه، هشدار و اجازه) را دربر گیرد. دلیل در اینجا به هر گونه دلیلی (فیزیکی یا فرهنگی) اشاره دارد که گوینده خود را طبق آن مجاز به بیان امر می‌داند.

ساخت هسته‌ای امری به هم‌بستگی میان یک معنای رهنمودی و یک صورت نحوی خاص اشاره دارد: یعنی اگر ساختی خاص صورتی ویژه برای بیان معنای رهنمودی داشته باشد و نقش اولیهٔ آن نیز رهنمودی باشد. این ساخت یک ساخت هسته‌ای امری است. این رویکرد کمینه به ساخت امری در رویکرد لاینز (1977) و جری و کیسنه (2016; 2014) خود را نشان می‌دهد. در این رویکرد یک ساخت هسته‌ای قلمداد شده چون معیاری برای امری بودن و غیرامری بودن دیگر ساخت‌هاست. اگر هر ساختی در صورت و نقش از این ساخت کانونی الگو بگیرد امری و در غیر این صورت غیرامری نامیده می‌شود. به عقیدهٔ آن‌ها اگر ساختی معنای امری داشته باشد، اما در صورت تابع آن ساخت بنیادی نباشد جزو صورت‌های ترغیبی^۹ خواهد بود.

اما محققانی دیگر (Takahashi 2012; Birjulin & Xrakovskij 2001) در تقابل با این دیدگاه رویکردی وسیع‌تر را پیشنهاد می‌دهند. آن‌ها ساخت امری را محدود به یک سری ویژگی

صوری نمی‌کنند، بلکه مفهوم امری را در وهله اول به معیارها و قابلیت‌های معنایی خاصی تجزیه کرده، و هر ساختی که بتواند بخشی از این مؤلفه‌ها را نشان دهد می‌تواند امری قلمداد شود. در این حالت ما با طیف وسیعی از ساخت‌های امری روبه‌رو هستیم. هر ساختی که بیشترین مؤلفه‌های امری را از خود نشان دهد ساختی سرنمون‌تر خواهد بود. برای مثال تاکاهاشی (2012) شش مؤلفه کانونی را برای هر ساخت امری با توجه به طیفی از ارزش‌های کمی در نظر گرفته و به عقیده او هر ساختی که امتیاز بیشتری بگیرد امری‌تر خواهد بود. به همین سیاق برجولین و خراکوفسکی (2001) نیز با تکیه بر مؤلفه‌های خاصی ماهیت امری بودن را تعریف می‌کنند و معیارهای صوری را در مرحله بعد قرار می‌دهند. آن‌ها نیز با تکیه بر چند معیار معنایی طیف متنوع امری‌های ممکن را ارائه می‌دهند. با در نظر گرفتن تمام این امکان‌ها ما با طیف وسیعی از امری‌ها طرف هستیم. حال این طیف گسترده معنایی امری را می‌سازد. بدین اساس در رده‌شناسی مشخص خواهد شد هر زبان چه مقدار از این طیف وسیع را در ساختار خود رمزگذاری می‌کند.

اما محققانی (Aikhenvald 2010; Aikhenvald & Dixon 2017) نیز هستند که به نوعی هم به ساخت صوری کمیته امری معتقدند و هم تا حدی تکثر این ساخت‌ها را می‌پذیرند. در واقع آیکنوالد (2010) و آیکنوالد و دیکسون (2017) مسیری میان صورت‌گرایی محض و معنابینایی صرف را انتخاب می‌کنند. آن‌ها ابتدا صورت امری دوم شخص مفرد را به‌عنوان ساخت هسته‌ای^{۲۰} امری در نظر می‌گیرند، و سپس هر صورت امری دیگری که برای بیان معنای رهنمودی از آن ساخت هسته‌ای تبعیت کند، نیز امری قلمداد می‌کنند. اما حال می‌توان پرسید که اگر یک ساخت معنای اولیه امری داشته باشد ولی به لحاظ صوری با آن ساخت هسته‌ای هم‌بستگی صوری نداشته باشد پس ماهیت امری آن چگونه ارزیابی می‌شود. به باور آن‌ها در صورتی که ساخت مربوطه در توزیع تکمیلی با ساخت هسته‌ای باشد آن ساخت نیز امری غیرهسته‌ای^{۲۱} قلمداد می‌شود. اما اگر ساخت مربوطه در توزیع تکمیلی با امری هسته‌ای نباشد این ساخت امری نبوده و فقط به‌عنوان راهبرد^{۲۲} امری محسوب می‌شود. ساخت راهبردی ساختی است که نقش بنیادی آن امری نیست اما در بافت‌هایی خاص ممکن است نقش امری داشته باشد.

روابط ساختاری میان امری‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای ساختار صیغگان امری را در یک

زبان می‌سازند. گفتنی است که راهبردهای امری بیرون از صیغگان امری خواهند بود. با در نظر گرفتن این امر، وندراآئورا^{۲۳} و دیگران (2005, p.294) حالات ممکن رابطه میان امری‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای را براساس دو معیار هم‌بستگی صوری^{۲۴} (شباهت صوری ساخت‌های امری با هم) و بیشینگی/کمینگی^{۲۵} (بیشینگی: زمانی که ساخت‌های امری شباهت صوری با ساخت دوم شخص مفرد دارند؛ کمینگی: زمانی که ساخت امری دوم شخص هم‌بستگی صوری با دیگر ساخت‌ها ندارد) در یک پارادایم امری به صورت زیر تعیین می‌کنند. بر این اساس صیغگان امری چهار حالت زیر را خواهند داشت:

الف: زبان نظام بیشینه‌ای داشته، اما نظام کمینه ندارد: یعنی تمام ساخت‌های امری هم‌بستگی صوری با امری دوم شخص دارند.

ب: زبان نظام کمینه دارد، اما نظام بیشینه ندارد: زیرا ساخت امری دوم شخص صورت مخصوص خود را دارد، اما ساخت‌های دیگر هر کدام صورت متفاوتی (مخصوص به خود) دارند.

ج: زبان هم نظام کمینه و هم بیشینه دارد: در این حالت امری دوم شخص صورت مخصوص به خود را دارد (کمینه)، و همه دیگر ساخت‌ها نیز یک صورت مشترک اما متفاوت با دوم شخص مفرد دارند (بیشینه).

د: زبان نه نظام کمینه و نه بیشینه دارد: در این حالت امری دوم شخص و سوم شخص صورت مشترک دارند، اما دیگر صورت‌ها دارای صورت متفاوتی هستند. لذا نه صورت کمینه و نه صورت بیشینه تقرر پیدا نمی‌کند.

این چهار حالت چهار امکان متفاوت تشکل صیغگان امری در زبان‌های جهان است. حال در بخش بعد ابتدا انواع ساخت و راهبردهای امری را به صورت خلاصه در کردی تشریح کرده، و سپس رابطه آن‌ها را با نظام‌های زمان، نمود و وجه بررسی می‌کنیم.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا به صورت خلاصه انواع ساخت امری را در کردی سورانی توضیح داده، و سپس تعامل معناشناختی آن‌ها را با عناصر زمان، نمود و وجهیت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱. امری در کردی

ساخت امری در کردی حاوی یک صیغگان سه بعدی است که حول سه حوزه دوم شخص مفرد، دوم شخص جمع و اشخاص غیر دوم شخص شکل می‌گیرد. هر کدام از این حوزه‌ها مبتنی بر ابزارهای رمزگذاری خاص خود هستند. برای مثال امر در دوم شخص مفرد عمدتاً همراه با حذف فاعل و حضور علامت مطابقت مخصوص به خود است (مثال ۱). این علامت مطابقت مخصوص این ساخت است و در جای دیگری ظاهر نمی‌شود (ساخت اول). اما ساخت امری دوم شخص جمع عنصر مطابقت مخصوص نداشته و از علامت مطابقت معمول در جملات خبری بهره می‌برد، اما ماهیت امری آن به شکل ترکیبی یعنی به صورت حذف فاعل جمله، حضور انفرادی فعل و همچنین حضور پیشوند التزامی آشکار می‌شود (ساخت دوم، مثال ۲). برای افراد غیر دوم شخص یک ساخت امری دیگری وجود دارد که با کمک یک عملگر دستوری شده (bā) پدید می‌آید (ساخت سوم، مثال ۳ تا ۶). این عملگر در توزیع تکمیلی با دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع قرار دارد، و در صورتی که با آن‌ها ترکیب شود یا غیردستوری بوده، و یا معنای غیر امری (تهدید و یا پیشنهاد) خواهد داشت. اما این عملگر در ترکیب با فاعل‌های غیر دوم شخص به صورت غالب معنای امری دارد. در این ساخت نیز عملگر مورد نظر همراه با پیشوند التزامی و یک فاعل غایب در جمله ساخت سوم امری را می‌سازد. مثال‌های زیر این موارد را (در حالت امری و خبری) به روشنی نشان می‌دهند.

1. b-i-hen-a/// da-y-hen-i.

ش ۲ / م (خب) ۲۱ - آوردن - اش - اس // ش ۲ / م (م) - آوردن - اش - التز
می‌آوریش // بیاورش

2. b-i-hen-ən/ da-y-hen-ən.

ش ۲ / ج (خب) - آوردن - اش - اس // ش ۲ / ج (م) - آوردن - اش - التز
می‌آوریدش // بیاوریدش

3. bā b-i-hen-əm/ da-y-hen-əm.

ش ۱ / م (خب) - آوردن - اش - اس // ش ۱ / م (خب) - آوردن - اش - التز عملگر با

می آورمش // بیاورمش

4. *bā b-i-hen-e/ da-y-hen-e.*

۳ش/م (خب)-آوردن-اش-اس // ۳ش/م (خب)-آوردن-اش-التز عملگر با

می آوردش // بیاوردش

5. *bā b-i-hen-in/ da-y-hen-in.*

۱ش/ج (خب)-آوردن-اش-اس // ۱ش/ج (خب)-آوردن-اش-التز عملگر با

می آوریمش // بیاوریمش

6. *bā b-i-hen-ən/ da-y-hen-ən.*

۳ش/ج (خب)-آوردن-اش-اس // ۳ش/ج (خب)-آوردن-اش-التز عملگر با

می آورندش // بیاورندش

سه ساخت فوق (امری دوم شخص مفرد، امری دوم شخص جمع و امری غیر دوم شخص) ساخت‌های کانونی و اصلی امری در زبان کردی هستند که صورت و نقش اولیه آن‌ها امری است.

غیر از سه ساخت فوق که هسته ساخت امری را در کردی می‌سازند، ساخت‌های دیگری نیز هستند که با کمک افعال کمکی خاصی مانند *heštən (hefān)* (گذاشتن)، *řo?in* (رفتن)، *hātən* (آمدن) ساخته می‌شوند. نقش اولیه این ساخت‌ها لزوماً امری نیست و فاقد ویژگی‌های اصلی معنایی و صوری امری هستند. به همین دلیل آن‌ها راهبردهای امری نامیده می‌شوند. معنای اولیه آن‌ها معانی غیرامری (ترغیب، تهدید و ...) بوده، و در توزیع تکمیلی با ساخت‌های امری مندرج در صیغگان امری کردی نیستند. اما این ساخت‌ها در بافت‌های خاصی به صورت کمکی درجات و معانی خاصی از امر را القا می‌کنند. برای مثال یکی از ویژگی‌های مشترک این ساخت‌ها این است که درجه التزام و امر در آن‌ها به نسبت ساخت‌های امری اصلی بسیار پایین است. از سوی دیگر معنای غالب این ساخت‌ها حول معانی ترغیب، هشدار و پیشنهاد می‌باشد. اما این بدان معنا نیست که این ساخت‌ها به هیچ وجه کاربرد امری ندارند، بلکه در بافت‌هایی خاص که گوینده اهداف کاربردشناختی خاصی (مانند امر مودبانه، کاهش دادن درجه تحمیل بر مخاطب در امر و یا فقدان قدرت امر از سوی گوینده بر مخاطب) دارد این ساخت‌ها را به جای ساخت‌های اصلی به‌کار می‌برد. در زیر مثال‌هایی از این ساخت‌ها را می‌بینیم.

7. *Bə-řon darsa-ka-tān bə-nus-ən.*

۲ش/ج-نوشتن-التز تان-مع-درس- رفتن-التز

بروید درستان را بنویسید.

8. Bə-naw kāya bə-ka-yn.

۱ش/ج-کردن-التز بازی آمدن-التز

بیاید بازی کنیم.

9. Beḷa kaya bə-ka-n.

۳ش/ج-کردن بازی بگذار

بذار بازی کنند.

در ادامه به صورت مختصر ماهیت این ساختها را تشریح می‌کنیم. ساخت شبه‌امری مبتنی بر فعل ترکیبی رفتن با تمام اشخاص یک صیغگان ترکیب می‌شود. فعل رفتن در اینجا لزوماً به معنای عمل فیزیکی رفتن نیست و تنها تعبیری از اراده معطوف به امر گوینده است. در این ساخت، عملگر *bā* می‌تواند به صورت اختیاری با اشخاص غیردوم شخص بیاید اما با فاعل‌های دوم شخص ظاهر نمی‌شود. هم فعل ترکیبی رفتن و هم فعل ثانویه در جمله با تمام اشخاص صرف می‌شوند. این امر نشان می‌دهد این ساخت مستقل از صیغگان امری در کردی است.

10. (bā) Bə-řom māšen-aka bə-šo-m.

۱ش/م-شستن-التز مع-ماشین رفتن-التز (عملگر با)

برم ماشین رو بشورم.

11. Bə-řo māšen-aka bə-šor-a.

۲ش/م-شستن-التز مع-ماشین رفتن-التز

برو ماشین رو بشور.

12. (bā) Bə-řwā māšen-aka bə-šw-a.

۳ش/م-شستن-التز مع-ماشین رفتن-التز (عملگر با)

بره ماشین رو بشوره.

13. (bā) bə-řoyn māšen-aka bə-šor-in.

۱ش/ج-شستن-التز معرفه-ماشین رفتن-التز (عملگر با)

بریم ماشین رو بشوریم.

14. bə-řon māšen-aka bə-šo-rən.

۲ش/ج-شستن-التز معرفه-ماشین رفتن-التز

برید ماشین رو بشورید.

15. (bā) bə-řon māŕen-aka bə-ŕo-rən.

ش^۳/ج-شستن-التر مع-ماشین رفتن-التر (عملگر با)

برند ماشین رو بشورند.

نقش و معنای اولیه این ساخت برای القای درجه خفیفی از امر است که در واقع بیانگر رضایت و اجازه گوینده است. لذا معنای اصلی آن برای القای رضایت است.

اما ساخت دوم (فعل آمدن) حاوی ویژگی‌های خاصی است. این ساخت نیز مانند ساخت قبل یک ساخت کامل بوده که تمام اشخاص را در برمی‌گیرد، لذا در تقابل توزیعی با ساخت‌های امری نبوده، و بیرون از صیغگان امری قرار دارد. اما این ساخت نیز در بافت‌هایی خاص برای القای امری با درجه خفیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. صرف فعل کمکی در این ساخت برای اشخاص دوم شخص و غیر دوم شخص متفاوت می‌باشد. لازم به ذکر است که این ساخت چون حالت پیشنهاد دارد کمتر متمایل به ترکیب شدن با اول شخص مفرد است، مگر در شرایطی که گوینده بخواهد نظر و واکنش مخاطب را در باب امر به خود بداند (مثال ۱۶).

16. (bā) be(m) ʔaw ducharkha bə-kəř-em.

ش^۱/م (خب)-خریدن-التر دوچرخه آن ش^۱/م-التر (عملگر با)

بیام این دوچرخه را بخرم.

17. War-a ʔaw ducharkha bə-kəř-a.

ش^۲/م (ام)-خریدن-التر دوچرخه آن ش^۲/م (ام)-آمدن

بیا این دوچرخه را بخر.

18. (bā) be(t) ʔaw ducharkha bə-kəř-e.

ش^۳/م (خب)-خریدن-التر دوچرخه آن ش^۳/م-التر (عملگر با)

بیاد این دوچرخه را بخر.

19. (bā) Bei-yn ʔaw ducharkha bə-kəř-in.

ش^۱/ج-خریدن-التر دوچرخه آن ش^۱/ج-آمدن-التر (عملگر با)

بیایم این دوچرخه را بخریم.

20. War-ən ʔaw ducharkha bə-kəř-ən.

ش^۲/ج-خریدن-التر دوچرخه آن ش^۲/ج-آمدن

بیایید این دوچرخه را بخرید.

21. (bā) be-n ʔaw ducharkha bə-kəř-ən.

ش۳/ج-خریدن-التز دوچرخه آن ش۳/ج-آمدن (عملگر با)

بیایند این دوچرخه را بخرند.

درجه التزام در این ساخت بسیار پایین بوده، و حالت ترغیبی، التماس و تا حدی پیشنهاد دارد. اما ساخت سوم دو نسخه متفاوت دارد. نوع اول که از ترکیب فعل گذاشتن (heštən) با یک فعل ثانویه ساخته می‌شود در واقع فقط برای اشخاص غیردوم شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد. معنای اولیه این ساخت یک معنای ترغیبی بوده، و در بافت‌هایی خاص معنای امری را القا می‌کند. فعل ترکیبی این ساخت، یعنی فعل (heštən) عمدتاً با مخاطب دوم شخص می‌آید، اما فعل ثانویه جمله که در آخر جمله ظاهر می‌شود برای افراد غیر دوم شخص نیز صرف می‌شود. در صورت ترکیب فعل ثانویه این ساخت با مخاطب دوم شخص، ساخت معنای هشدار به خود گرفته و دیگر معنای امری را القا نمی‌کند. این ساخت برای بیان امر برای یک فرد غایب بیان شده که گویا مخاطب فعل ترکیبی (heštən) نقش واسطه را بازی کرده، و مخاطب فعل دوم نقش کنشگر عمل امر شده را بازی می‌کند. این ساخت اگر چه معنای امری دارد اما دارای درجه خفیف‌تری از امر بوده و معنای ثانویه رخصت و اجازه را نیز متبادر می‌کند. از سوی دیگر چون مخاطب امر نیز غایب است همین امر نیز بودن آن را تقلیل می‌دهد. نکته جالب توجه در این ساخت این است که در صورت ترکیب با مخاطب دوم شخص (برای فعل دوم که معنای امر را بیان می‌کند) ساخت دیگر معنای امر نداشته و معنای هشدار و تهدید به خود می‌گیرد. به صورتی که گویی دقیقاً شنونده در صورت انجام عمل مورد تهدید قرار می‌گیرد.

22. Beḫā b-i-san-əm.

ش۱/م-خریدن-اش-التز ش۲/م (ام)-گذاشتن

بگذار بخرم.

23. Beḫā b-i-san-i.

ش۲/م-خریدن-اش-التز ش۲/م (ام)-گذاشتن

بگذار بخری (هشدار).

24. Beḫā b-i-san-e.

ش۳/م-خریدن-اش-التز ش۲/م (ام)-گذاشتن

بگذار بخرد.

25. Beḡā b-i-san-in.

۱ش/ج-خریدن-اش-التز ۲ش/م (ام)-گذاشتن

بگذار بخریم.

26. Beḡā b-i-san-ən

۲ش/ج-خریدن-اش-التز ۲ش/م (ام)-گذاشتن

بگذار بخرید (هشدار).

27. Beḡā b-i-san-ən

۳ش/ج-خریدن-اش-التز ۲ش/م (ام)-گذاشتن

بگذار بخرند.

اما در صورتی که فعل ترکیبی (heštān) را برای فاعل غیردوم شخص در نظر بگیریم این ساخت تغییر یافته، و باید با عملگر bā ترکیب شود (راهبرد چهارم). در این حالت ساخت معنای رخصت مضاعف را متبادر می‌کند. بدین صورت که گوینده جمله گویا به فاعل فعل ترکیبی (heštān) فرمان می‌دهد که او نیز رخصت دهد تا فاعل فعل دوم عمل مورد نظر را انجام دهد. مثال های زیر نشانگر این گروه هستند. هم فعل اول و هم فعل دوم برای همه اشخاص می‌توانند صرف شوند. در اینجا برای اختصار ما فقط فعل اول را برای همه اشخاص صرف کرده و در هر مثال فعل دوم را فقط برای یک شخص صرف می‌کنیم. در نهایت باید گفت که این ساخت با ساخت فوق (فعل heštān با فاعل دوم شخص) در تقابل تکمیلی بوده، و به هیچ وجه برای اشخاص دوم شخص صرف نمی‌شود.

28. Bā Beḡām b-i-san-ən.

۳ش/ج-خریدن-اش-التز ۱ش/م-گذاشتن-التز عملگر با

بگذارم (اجازه دهم) که بخرند.

29. Bā Beḡā b-i-san-e**

۳ش/م-خریدن-اش-التز ۲ش/م (ام)-گذاشتن-التز عملگر با

30. Bā Beḡe b-i-san-am.

۱ش/م-خریدن-اش-التز ۳ش/م-گذاشتن-التز عملگر با

بگذاره که من بخرمش.

31. Bā Beḡ-in b-i-san-ən.

ش ۳/ج-خریدن-اش-التز-ش ۱/ج-گذاشتن-التز عملگر با
بگذاریم که بخرند.

32. Bā Beṭ-ən b-i-san-e. ***

ش ۳/م-خریدن-اش-التز-ش ۲/چ-گذاشتن-التز عملگر با
33. Bā Beṭ-en b-i-san-in.

ش ۱/ج-خریدن-اش-التز-ش ۳/ج-گذاشتن-التز عملگر با
بگذارند که بخرند.

لذا این ساخت به نوعی به یک گونه امری بسیار نامتعارف اشاره دارد، که در آن گوینده به شخصی واسطه فرمان می‌دهد که به فرد غایب فرمان یا رخصت داده که عمل خاصی را به انجام برساند. حال با این مقدمه کوتاه به بررسی تأثیر زمان، نمود و وجهیت در این ساخت‌ها می‌پردازیم.

۲-۴. زمان و ساخت‌های امری

اولین نسبت بین پدیدار زمان و ساخت‌های امری در کردی سورانی این است که تمام این ساخت‌ها محدود به زمان حال هستند، این امر به لحاظ معناشناختی به راحتی قابل توجیه است، بدین شیوه که عمدتاً بیان امر صرفاً به نسبت فردی حاضر در لحظه سخن بیان می‌شود، لذا نمی‌توان به فردی در گذشته و یا آینده امر کرد.

34. Bə-ř-o bo māṭ.

خانه برای ش ۲/م (ام)-رفتن-التز
به خانه برو.

35. Bə-řo-n bo māṭ.

خانه برای ش ۲/ج-رفتن-التز
به خانه بروید.

36. Bā bə-řo-n bo māṭ.

خانه برای ش ۳/ج-رفتن-التز عملگر با
بروند به خانه.

اگرچه شاید واکنش به امر در همان لحظه اتفاق نیفتد، اما خود عمل امر در لحظه گفتن منعقد

می‌شود. همین امر در مورد ساخت‌های ثانویه امری هم صادق است، عمده آن‌ها وابسته به زمان حال هستند.

37. Bə-řo darsa-ka-t tawāw ka.

ش/م (امر) - کردن تمام ات-مع-درس برو
برو درست را تمام کن.

38. Wara kāra-ka-t tawāw ka.

ش/م (امر) - کردن تمام ات-مع-کار بیا
بیا کارت رو تمام کن.

39. Beřā b-i-san-e.

ش/م - خریدن - اش - التز بگذار
بگذار بخردش.

اضافه شدن زمان گذشته به این افعال (افعال امری در ساخت‌ها و راهبردهای امری) در واقع باعث ناپدید شدن معنای امری آن‌ها می‌شود. در این حالت جمله یا حالت غیردستوری پیدا کرده، و یا با عملگرهای وجهی در زمان گذشته بیان می‌شود.

40. ?aš-yā bəř-wā-?i bo māf.

خانه برای ش/م - وجه التز - رفتن وجه التز - باید
باید به خانه می‌رفتی.

41. Aš-yā bəř-wā-ya-n bo māf.

خانه برای ش/ج - وجه التز - رفتن وجه التز - باید
باید به خانه می‌رفتید.

42. Bā bəř-wā-ya-n-aw bo māf.

خانه برای ش/ج - وجه التز - رفتن وجه التز - عملگر با
باید به خانه می‌رفتند (الزام در گذشته).

43. Bā bəř-wā-ya-t-aw bo māf.

خانه برای ش/م - وجه التز - رفتن - التز - عملگر
باید به خانه می‌رفت.

بررسی این ساخت‌ها در زمان گذشته ابعاد معنایی بسیار جالبی را از آن‌ها افشا می‌سازد. تمام ساخت‌ها و راهبردهای امری در زمان گذشته دچار تحول ساختاری و معنایی شده و عملاً هویت امری خود را از دست می‌دهند. در چنین فرایندی این ساخت‌ها به دو گروه (ساخت‌های دوم شخص و دیگر ساخت‌ها و راهبردها) تقسیم می‌شوند. گروه اول که شامل امری‌های دوم شخص هستند در زمان گذشته هیچ معادل و مابه‌ازایی ندارند. اما در صورت بیان این ساخت‌ها در گذشته، آن‌ها به یک ساخت وجهی با عملگر وجهی ویژه‌ای (Paš-yā, da-bwā) بدل می‌شوند (مثال ۴۰ و ۴۱). این عملگر فقط در زمان گذشته ظاهر شده و در زمان حال صورت دیگری (Paše, dabe) دارد. زمانی که این عملگر وجهی در گذشته ظاهر می‌شود یک پسوند جدید (-yā-wā) دریافت می‌کند که نشانگر وجه دستوری غیرواقعی در گذشته و یا امری غیرواقعی در گذشته است. به عبارت دیگر ترکیب این وجه دستوری با این عملگر نشان می‌دهد که این گزاره دربارهٔ یک امر غیرواقعی در گذشته سخن می‌گوید. اما گروه دوم که شامل ساخت سوم امری و دیگر راهبردهای امری است نیز در زمان گذشته دچار تحول معنایی و صورتی قابل توجهی می‌شوند. اگرچه ساخت سوم امری (مثال ۴۲ و ۴۳) می‌تواند با همان عملگر امری *bā* و بدون عملگر وجهی در زمان گذشته ظاهر می‌شود، اما پسوند وجه دستوری غیرواقعی (-yā-wā) به پایان فعل شبه امری گذشته چسبیده و معنای امری آن را خنثی می‌سازد. همین امر نشان می‌دهد که در اینجا نیز امری در کار نیست و در واقع گوینده یک درخواست غیرمحقق شده را در گذشته بیان می‌کند. همانگونه که گفته شد این علامت عمدتاً وجهیت غیرواقعی را در زمان گذشته در زبان کردی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر این وند بیانگر وجه غیرواقعی در حوزهٔ زمان گذشته است. این وجهیت غیرواقعی مختص گذشته تفاوت ماهوی با پیشوندهای التزامی امری در زمان حال دارد، بدین شکل که غیرواقعی بودن (نه الزام و اجباری بودن) را برجسته می‌کند.

از سوی دیگر بیان راهبردهای امری با افعال رفتن، آمدن و گذاشتن در زمان گذشته نیز تابع همان رویه‌ای است که بر ساخت سوم امری (با عملگر *bā*) حاکم است. بیان این ساخت‌ها نیز در گذشته به تحول ساختاری و معنایی قابل توجهی منجر می‌شود. صرف این راهبردها در زمان گذشته منجر به ظهور همان پسوند التزامی (وجه غیرواقعی امری) بعد از فعل شبه امری می‌شود. ظهور این وند در اینجا نیز نشان می‌دهد که امری در کار نیست و جمله فقط گزاره‌ای ممکن را راجع به موقعیتی متحقق نشده در گذشته بیان می‌کند. به عبارت دیگر حضور این وجهیت

دستوری مختص زمان گذشته ماهیت غیرواقعی بودن این امر را در گذشته برجسته می‌کند:

44. Bəřo darsa-kat bæ-khwena.

۲ش/م (امر)-خواندن-التز ۲ش/م-مع-درس رفتن/۲ش/م(امر)-التز

برو درست را بخوان.

45. Bəř-wā?i darsa-kat bæ-khwend-āya.

۲ش/م (التز)-خواندن-التز ۲ش/م-مع-درس رفتن-التز

می رفتی درست رو می خوندی (الزام در گذشته).

46. Wara ?aw kteba bæ-kəř-ən.

۲ش/ج-خریدن-التز-مع-کتاب آن بیا

بیا آن کتاب را بخرد.

47. Bəhāt-bā-yan ?aw kəteba-tān bæ-kəř-i-bā-ya.

بودن-التز-اش-خریدن-التز-تان-مع-کتاب آن ۲ش/ج-التز-آمدن-التز

می آمدید آن کتاب را می خریدید (الزام در گذشته).

48. Bət-hešt-bā-ya kārakay bək-ā.

۳ش/م-کردن-التز-اش-مع-کار التزامی-گذاشتن/۲ش/مل-التز

می گذاشتی کارش رو انجام بده.

این موارد نشان می‌دهد که در سلسله مراتب دستور زبان کردی برای جایگزینی ساخت امری عملگرهای متفاوت وجهی (عملگر وجهی برای دوم شخص‌ها و علامت وجهیت غیرواقعی امری در گذشته برای دیگر ساخت‌ها) بر ساخت‌های دیگر اولویت دارند. لذا بعد از عملگرهای وجهی، وجهیت دستوری غیرواقعی رتبه دوم را در بیان امری در زمان‌های گذشته دارد. در نتیجه می‌توان گفت که امری در گذشته توان بروز و ظهور نداشته، و در صورت بیان معنایی شبه امری در محور گذشته ساخت‌های وجهی این وظیفه را بر عهده می‌گیرند.

اگر چه زبان کردی فاقد زمان آینده است، اما ساخت امری دوم شخص مفرد می‌تواند به صورت دستوری معنای امری آینده را القا کند. اگرچه عمده ساخت‌های امری و راهبردهای امری (مثال ۵۰ تا ۵۴) با قیدهای زمانی آینده واکنش و یا زمان تحقق امر را موقوف به آینده می‌کنند، اما ساخت دوم شخص مفرد می‌تواند حتی بدون قید و فقط با ابزارهای دستوری نوعی امری آینده را بیان کند (مثال ۴۹). لذا آن تنها ساختی است که به صورت دستوری در کردی معنای

آینده را نشان می‌دهد. البته این امر در باره ساخت‌های دیگر امری صادق نیست، چراکه آن‌ها تنها با تکیه به قیدهای زمانی تا حدی دامنه گستره امر را فراوان‌تر می‌کنند.

49. Pāk-i bə-ka/ pāk-i bə-ka-y.

آینده (امری) - ۲ش/م (امری) - کردن - التز اش - پاک / ۲ش/م (امر) - کردن - التز اش - پاک
در آینده پاکش کن / پاکش کن.

50. Pāk-i bə-kan/ pāk-i bə-ka-n dwāʔi.

بعداً ۲ش/ج - کردن - التز اش - پاک / ۲ش/ج - کردن - التز اش - پاک
بعداً پاکش کنید // پاکش کنید.

51. Bā pāk-i bə-ka-y-n// Bā pāki bə-ka-y-n dwāʔi.

بعداً ۱ش/ج - اش - کردن - التز اش - پاک عملگر با / ۱ش/ج - اش - کردن - التز اش - پاک عملگر با
بعداً پاکش کنیم // بگذار پاکش کنیم.

52. bā Bə-řom darsaka-m bə-nus-m dwāi***

بعداً ۱ش/م - نوشتن - التز ام - مع - درس ۱ش/م - رفتن - التز عملگر با
برم درس را بعداً بنویسم.

53. Wara bayāni ʔaw māšina bə-kəř-a.

۲ش/م (ام) - خریدن - التز ماشین آن فردا بیا
بیا فردا این ماشین را بخر.

54. beřā bayāni ʔaw māšina bə-kəř-e.

۳ش/م - خریدن - التز ماشین آن فردا بگذار
بگذار فردا آن ماشین را بخر.

لذا تنها ساخت کانونی دوم شخص مفرد توانایی بیان امری آینده را دارد، و دیگر ساخت‌ها با به‌کار بردن قید دامنه زمان خود را گسترش می‌دهند. همین امر نشان می‌دهد که ساخت‌های امری عمدتاً حال محور بوده، و چون ساخت هسته‌ای دوم شخص ساختی بسیار مهم بوده و دارای درجه التزام بالایی است لذا دارای صورت دستوری شده آینده شده است. اما نکته جالب‌تر این است که ساخت ترکیبی با فعل حرکتی رفتن (مثال ۵۲) تمایلی با ترکیب حتی با قیدهای آینده را ندارد، این امر بدین دلیل است که این افعال بر انگیزاندن اراده در لحظه حال تأکید دارند و با

تعویق آن در تضاد هستند.

۳-۴. امری و نمودهای واژگانی و دستوری در کردی

در این بخش، در وهله اول نسبت انواع نمود واژگانی را با ساختها و راهبردهای امری بررسی می‌کنیم. در این رابطه طبق نظر اسمیت (1997) به پنج نوع نمود واژگانی تکیه کرده و سپس توزیع و ظهور آنها را در ساختها و راهبردهای امری تبیین می‌کنیم. برای این منظور افعال ساختن یک خانه (تحقیق)، قدم زدن در حیاط (فعالیتی)، بردن (بازی) (دستاوردی)، سرفه کردن (لمحه‌ای) و دوست داشتن، دانستن و بیمار بودن (ایستا) را مورد نظر قرار می‌دهیم. سعی می‌کنیم در این افعال مفهوم اراده و فقدان اراده را نیز در نظر بگیریم، چراکه اراده و آگاهی از معانی کانونی امر است. در ابتدا این افعال را در ساخت دوم شخص مفرد و جمع بررسی می‌کنیم:

55. māfaka s̄az (bə)-k-a.

ش/م (ام) - کردن ساختن مع-مال

خانه را بساز.

56. la hawša pyāsa bə-ka.

ش/م (ام) - التز پیاده حیاط در

در خانه قدم زن.

57. kāya-ka bə-bawa/ Bə-tər-sa

ش/م (ام) - ترس - التز / ش/م (ام) - بردن - التز مع - بازی

بترس / بازی را ببر.

58. bə-ko-ka.

ش/م (ام) - سرفه کردن - التز

سرفه کن.

59. ryāzi bəzā-na?/ hasan-ət khoš buwe*

ش/م (ام) - داشتن - التز خوش ات - حسن / ش/م (ام) - دانستن - التز ریاضی

حسن را دوست داشته باش / ریاضی را بدان.

60. māfa-ka s̄az bə-k-an.

۲ش/ج-کردن-التز ساختن مع-خانه

خانه را بسازید.

61. la hawša pyāsa bə-kan.

۲ش/ج-کردن-التز پیاده حیاط در

در حیاط پیاده روی کنید.

62. kāya-ka bə-banawa.

۲ش/ج-بردن-التز مع-بازی

بازی را ببرید.

63. bə-ko-kən.

۲ش/ج (ام)-سرفه-التز

سرفه کنید.

64. ryāzi bəzā-nən?/ hasan-tān xoš buwe*

۳ش/م-داشتن-التز خوش تان-حسن // ۲ش/ج-دانستن-التز ریاضی

حسن را دوست داشته باشید // ریاضی را بلد باشید.

تحلیل داده‌های فوق نشان می‌دهد که در عمده موارد ترکیب طبقات نمودی متفاوت با ساخت‌های امری دوم شخص طبیعی به نظر می‌رسد. ویژگی مشترک این طبقات مختصه مثبت پویایی است که تجانس معنایی با ماهیت امری دارد. نکته جالب توجه این است که اگرچه با توجه به شم نگارندگان باهمایی افعال ایستا با افعال امری نشاندار نیست، اما این ترکیب معنای امری را القا نکرده و حالت توصییه و سفارش دارد. این امر نشان می‌دهد که ویژگی ایستایی و غیرتحوالی این افعال با ماهیت معنایی ساخت امری در تعارض است.

ترکیب این طبقات نمودی با ساخت سوم امری (ساخت امری همراه با عملگر (bā) نیز روشنگر تعامل معنایی متجانس میان مقوله پویایی و امری بودن است:

65. Bā māfaka sāz bə-k-an.

۳ش/ج-کردن-التز ساختن مع-خانه عملگر با

خانه را بسازند.

66. Bā la hawša pyāsa bə-ka-yn.

۱ش/ج-کردن-التز پیاده حیات در عملگر با
در حیات قدم بزینیم.

67. Bā kāya-ka bə-ba-y-n-awa.

۱ش/ج-اش-بردن-التز مع-بازی عملگر با
بازی را ببریم.

68. Bā bə-ko-k-in.

۱ش/ج-سرفه-التز عملگر با
سرفه کنیم.

69. Bā ryāzi bəzā-nin*/ Bā hasan-mān khoû bu-we*

۳ش/م-داشتن-التز خوش مان-حسن عملگر با // ۱ش/ج-دانستن-التز ریاضی عملگر با
حسن را دوست داشته باشیم // ریاضی را بلد باشیم.

در این ساخت نیز، طبقات متفاوت نمودی با مشخصه مثبت پویایی به راحتی در ساخت امری
ظاهر می‌شوند، اما ترکیب افعال ایستا و غیرتحوالی (مثال ۶۹) به لحاظ معنایی تا حدی نشاندار
است. در این حالت، در ساخت مربوطه معنای امری از دست رفته و حالت توصیه به خود می‌گیرد.
اما ترکیب نمودهای واژگانی با راهبردهای امری به شدت مناقشه‌برانگیز هستند.

70. Bā Bə-řon māfaka sāz bə-k-an.

۳ش/ج-کردن-التز ساختن مع-خانه ۳ش/ج-رفتن-التز عملگر با
بروند خانه را بسازند.

71. Bā Bə-řo-yn la hawšā pyāsa bə-ka-yn.

۳ش/ج-کردن-التز پیاده حیات در ۳ش/ج-رفتن التزام عملگر با
برویم در حیات قدم بزینیم.

72. Bā Bə-řoyñ kāya-ka bə-ba-ynawan.** bā bəř-oyñ be-tərs-in.**

۱ش/ج-ترسیدن-التز ۱ش/ج-رفتن-التز عملگر با // ۱ش/ج-بردن-التز مع-بازی ۱ش/ج-
رفتن-التز عملگر با

برویم بترسیم/ بریم بازی را ببریم.

73. Bā Bə-řom bə-ko-kəm*** Bā Bə-řom chāw bəquche-nəm.

۱ش/م/ بستن چشم ۱ش/م-رفتن با ۱ش/م-سرفه-التز ۱ش/م-رفتن-التز عملگر با

بروم چشمم رو ببندم. برم سرفه کنم.

74. Bā Bə-řo-yn ryāzi bəzā-nin**. Bā Bə-řom hasan-mān xoš bu-we**

ش^۳/م-داشتن-التز خوش مان-حسن اش/ج-رفتن عملگر با// اش/ج-دانستن-التز ریاضی

اش/ج-رفتن-التز عملگر با

برویم حسن را دوست داشته باشیم. برویم ریاضی بلد باشیم.

همانگونه که از مثال‌های فوق مشخص است افعال ایستا (۷۴) و دستاوردی (۷۲) در ترکیب

با راهبرد امری مبتنی بر فعل رفتن بسیار نشاندار هستند. دلیل این امر این است که این ساخت با

تکیه بر فعل حرکتی رفتن نوعی اراده و خیزش لحظه‌ای را برای انجام دادن کاری پویا در لحظه

نشان می‌دهد. بدیهی است که افعال شناختی و ایستا چون دارای درجهٔ بسیار پایینی از پویایی

هستند تجانس معنایی با این راهبرد امری ندارند. حال در ادامه به دو ساخت دیگر می‌پردازیم.

75. Wara řaw māřa bə-kəř-a.

ش^۲/م (ام)-خریدن-التز خانه آن بیا

بیا آن خانه را بخر.

76. Wara la hawša pyāsa bə-ka-yn.

اش/ج-کردن-التز پیاده حیاط در بیا

بیا در حیاط پیاده‌روی کنیم.

77. Wara kāya-ka bə-ba-y-nawa.

اش-بردن-التزام مع-بازی بیا

بیا بازی را ببریم.

78. Wara Bā bə-ko-kin.

اش/ج-سرفه-التز عملگر با بیا

بیا تا سرفه کنیم.

79. Wara ryāzi bəzā-nin*.

اش/ج-دانستن-التز ریاضی بیا

بیا ریاضی بلد باشیم.

80. Wara hasan-mān khoš buwe*.

ش^۳/م-داشتن-التز خوش مان-حسن بیا

بیا تا حسن را دوست داشته باشیم.
این ساخت نیز مانند ساخت‌های قبل با افعال متفاوت با خصیصه مثبت پویایی به راحتی ترکیب می‌شود. دلیل این امر این است که ساخت امری تجانس معنایی با رخداد‌های پویا دارد. اما ترکیب معنایی این ساخت نیز با افعال ایستا همچنان نشاندار بوده و معنای امری را القا نمی‌کند. در نهایت ترکیب ساخت گنا/شتن را با انواع نمود واژگانی می‌بینیم.

81. *Beḫ māḫa-ka sāz bə-kā-t.*

۳ش/م-کردن-التز مع-خانه بگذار

بگذار خانه را بسازد.

82. *Beḫ la hawṣa pyāsa bə-ka-yn.*

۱ش/ج-کردن-التز پیاده حیاط در بگذار

بگذار در حیاط پیاده روی کنیم.

83. *Beḫ kaya-ka bə-ba-y-nawa.*

اش-بردن-التز مع-بازی بگذار

بذار بازی رو ببریم.

84. *Beḫ bə-ko-kin.*

۱ش/ج-سرفه-التز بگذار

بگذار سرفه کنیم.

85. *Beḫ ryāzi bə-zā-nin.**

۱ش/ج-دانستن-التز ریاضی بگذار

بگذار ریاضی بلد باشیم.

86. *Beḫ hasan-mān khoṣ buwe.***

۳ش/م-داشتن-التز خوش مان-حسن بگذار

بگذار حسن را دوست داشته باشیم.

این ساخت نیز در ترکیب با افعال ایستا، غیرپویا و غیرارادی عمدتاً نشاندار است، اما در ترکیب با افعال مثبت پویا کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد.

در نهایت باید به پدیدار نمودگردانی خصیصهٔ پویایی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی طبقات نمودی در ساخت امری بپردازیم. در تمام ساخت‌های امری و راهبردهای امری که میزبان مشتاق افعالی با خصیصهٔ مثبت پویایی هستند، امری متناقض رخ می‌دهد. در همهٔ این ساخت‌ها ویژگی پویایی معلق شده و فاز مقدماتی^{۲۷} رخداد برجسته می‌شود. این فرایند تحمیل^{۲۸} محصول تأثیر ساخت امری بر ماهیت نمودی افعال است. برای مثال جملهٔ زیر را در حالت خبری و امری در نظر می‌گیریم:

87. Māt sâz da-kât.

۳ش/م (خب)-ناقص ساختن خانه

خانه می‌سازم.

88. Bâ Māt sâz bā-kât.

۳ش/م (ام)-التز ساختن عملگر با

خانه بسازد.

فعل تحقیقی ساختن در مثال ۸۷ خصلت پویایی داشته و جمله مراحل میانی و پویای عمل ساختن را برجسته کرده است. اما ظهور این فعل در ساخت امری باعث شده ماهیت پویایی و مراحل میانی معلق شده، و کل عمل به بعد از فاز مقدماتی حوالت شود. فاز مقدماتی فازی آمادگی است که جزو فرایند عمل محسوب نشده، و در این مرحله فرد خود را به لحاظ ارادی برای انجام عمل آماده می‌کند. چون ساخت امری نیز اراده‌محور بوده، و عمل منوط به بعد از امر است، لذا این ساخت نیز مرحلهٔ مقدماتی را برجسته کرده، و مراحل هنوز محقق نشدهٔ میانی (فرایند پویای عمل) را خنثی می‌سازد. لذا وضعیت متناقض افعال در ساخت امری بدین شکل است که این ساخت میزبان افعال پویا است، اما به محض میزبانی، مراحل میانی و پویای آن‌ها را خنثی کرده و مراحل فاز آمادگی را برجسته می‌سازد.

در ادامه به بحث ترکیب ساخت‌ها و راهبردهای امری با نمودهای دستوری ناقص و کامل می‌پردازیم. همانگونه که بیان شد در کردی زمان گذشتهٔ ساده نشانگر نمود کامل است (نک: ویسی، ۱۳۹۴؛ نجفی و همکاران، ۱۳۹۵)، اما نمود ناقص با عملگرهای متفاوتی (مانند da-, kharik) در زمان‌های متفاوت ظاهر می‌شود. در باب نمود کامل می‌توان همان قواعدی را در نظر گرفت که برای زمان گذشته کاربرد دارد. در واقع ساخت‌های امری در زمان گذشته (و به تبع با نمود

کامل) اساساً ظاهر نمی شوند مگر اینکه با عملگرهای وجهی ترکیب شوند. این امر نشان می دهد که وابستگی امری به زمان حال و همچنین تعویق انجام مراحل میانی و پایانی عمل (اتمام پذیری) به بعد از بیان گزاره امری، منجر به این می شود که اساساً ساخت امری به هیچ وجه نمود کامل را نپذیرد.

اما حال به رابطه میان امری و نمود استمراری -da می پردازیم. این پیشوند در زمان حال و گذشته به افعال اضافه شده و معنای استمرار و یا عادت را به فعل اضافه می کند. در زیر مثال هایی از ترکیب این عملگر با ساختها و راهبردهای امری را می بینیم. همانگونه که از این مثالها روشن می شود هیچ کدام از ساختها و راهبردهای امری با این عملگر استمراری قابلیت ترکیب ندارند.

89. bə-da-nus-a.*

۲ش/م-نوشتن-استم-التز

بمی نویسد.

90. bə-da-nus-ən.*

۲ش/ج-نوشتن-استم-التز

بمی نویسد.

91. bā bə-da-nus-e.*

۳ش/م-نوشتن-استم-التز عملگر با

بذار تا بمی نویسد.

92. (bā) bə-řoyñ darsaka-mān da-bə-nus-in.*

۱ش/ج-نوشتن-استم-التز مان-مع-درس ۱ش/ج-رفتن-التز عملگر با

برویم درس را بمی نویسم.

93. Wara b-i-da-kəř-a.*

۲ش/م-خریدن-استم-التز بیا

بیا آن را می بخر.

94. Beřā b-i-da-san-in.*

ش/ج-خریدن-استم-التز بگذار

بگذار آن را می بخریم.

شاید دلیل اینکه افعال امری تمایلی به ترکیب با عملگر استمراری -da ندارند این است که

جملات امری به یک عمل در حال جریان و پویا اشاره ندارند، لذا با این عملگر باهمایی ندارند. همانگونه که می‌دانیم این عملگر استمراری به مراحل میانی و پویای رخدادها اشاره می‌کند، و چون مراحل میانی و پویای این رخدادها در ساخت امری خنثی شده است لذا این افعال امری قابلیت ترکیب با این عملگر را ندارند. لذا افعالی که ویژگی پویایی دارند نهایتاً تحت فرایند تحمیل در ساخت امری ماهیت پویایی خود را از دست می‌دهند.

اما عملگر استمراری دیگری (xarik) در کردی است که با برخی از ساخت‌ها و راهبردهای امری ترکیب می‌شود. این عملگر دو قابلیت متفاوت دارد. اولاً مانند نمود استمراری da می‌تواند مراحل میانی یک رخداد را نشان دهد، و یا اینکه تنها فاز مقدماتی یک عمل را برجسته سازد. در صورتی که این عملگر در معنای دوم بکار برود و فاز آغازین رخداد را نشان داده، و فاز میانی را نادیده بگیرد قابلیت ظهور در ساخت امری را دارد. در این حالت این عملگر تضادی با ماهیت سرکوب‌شده مراحل میانی و پویای رخدادها در ساخت امری ندارد. این عملگر را می‌توان عملگر ناقص‌ساز آغازی^{۲۹} نامید. ماهیت فاز آمادگی تجانس بسیار بالایی با ماهیت ترغیب‌گرانه امری دارد، چراکه هر دو منوط به مراحل مقدماتی عمل بوده و قبل از شروع رخداد هستند:

95. xarik-i nusin (bə)-ba// xarik ba nusin (bə)-ba.

۲ش/م-باش-التز نوشتن به مشغول // ۲ش/م-باش-التز نوشتن اضافه-مشغول
مشغول به نوشتن باش.

96. xarik-i nusin bən// xarik bən bə-nus-ən.

۲ش/ج-نوشتن-التز باشید مشغول // ۲ش/ج نوشتن اضافه-مشغول
مشغول نوشتن باشید.

97. bā xarik-i nusin (bə)-bin.

۱ش/ج-باش-التز اضافه-مشغول عملگر با
مشغول نوشتن باشیم.

98. (bā) bə-řoyñ xariki darsa-ka-mān bə-bin.

۱ش/ج-بودن-التز مان-مع-درس اضافه-مشغول رفتن-التز عملگر با
برویم مشغول درس‌مان باشیم.

99. Wara xarik-i nusin-ak-at bə-ba.

۲ش/م-التزات-مع-نوشتن اضافه-مشغول بیا
بیا مشغول درست باش.

100. Beḩā xariki sanden-aka-y bə-bet.

۳ش/م-بودن-التزاش-مع-خریدن اضافه-مشغول بهل
بذار مشغول خریدش بشه.

تمام ساخت‌های امری و راهبردهای امری با نمود آغازی مورد نظر قابلیت ترکیب دارند. لذا ساخت‌های امری توانایی ترکیب با نمود ناقص از نوع آغازی را دارند، چراکه در نمود آغازی هنوز عمل پویا شروع نشده و فقط مرحله آمادگی برجسته شده است و با ماهیت غیرپویای امری تناقضی به وجود نمی‌آید.

در پایان اجازه دهید به عملگرهای کامل‌ساز (در حال کامل و گذشته کامل) در ترکیب با ساخت‌ها و راهبردهای امری نیز اشاره‌ای داشته باشیم.

101. Bə-nusa/ Nus-i-be-tawa/ nus-i-bu-be-tət.

۲ش/م-کامل-بودن-اش-نوشتن / ۲ش/م-کامل-بودن-اش-نوشتن / ۲ش/م-نوشتن-التز
نوشته بوده باشی // نوشته باشی / بنویس

102. bə-nus-ən/ Nus-i-be-tān-awa/ nus-i-bu-be-tān.

۲ش/ج-کامل-بودن-اش-نوشتن / ۲ش/ج-کامل-بودن-اش-نوشتن / ۲ش/ج-نوشتن-التز
نوشته بوده باشید // نوشته باشید // بنویسید.

103. (bā) řoyš-te-betən nusi-bet-yān// (bā) řoyš-te-bub-ən nusi-bu-bet-yān.*

شان-کامل-بودن-نوشتن ۳ش/ج-بودن-رفتن عملگر با // شان-کامل-بودن-نوشتن ۳ش/ج-
بودن-رفتن عمگر با
رفته باشند نوشته باشند // رفته باشند نوشته باشند.

104. Hātə-be-tən kəř-i bet-tān// hāt-bu-be-tən kəř-i bu-bet-tān.*

۲ش/ج-کامل-بودن-اش-خریدن ۲ش/ج-کامل-بودن-اش-خریدن // ۲ش/ج-آمدن // ۲ش/ج-کامل-اش-
خریدن ۲ش/ج-کامل-اش-آمدن
آمده بوده باشید خریده باشید // آمده باشید خریده باشید.

105. Heštbe-tan nus-i-bet-ti// Hešte-bu-be-tān nus-i-bu-bet-yān*.

ش ۳/ج-کامل-بودن-اش-نوشتن ۲/ش/ج-کامل-بودن-گذاشتن // ۳/ش/م-کامل-اش-نوشتن

ش ۲/ج-کامل-گذاشتن

گذاشته بوده باشید که نوشته باشند// گذاشته باشید که نوشته باشد.

هیچکدام از این مثال‌ها معنای امری ندارند، بلکه تنها هشدار درباره یک امر محقق شده می‌دهند. اگرچه مثال‌های ۱۰۳، ۱۰۴ و ۱۰۵ به لحاظ معنایی و صوری تا حدی نشاندار به نظر می‌رسند، اما ساخت‌های دیگر که با عملگر کامل‌ساز ترکیب شده‌اند طبیعی به نظر می‌رسند. اما هیچ کدام معنای امری را القا نمی‌کنند. بلکه تنها درباره بایستگی و ضرورت تحقق یک امر در گذشته هشدار می‌دهند. گویی می‌خواهند مخاطب را در باره عواقب متحقق نشدن عمل آگاه سازند، اما البته دیگر بافت و زمینه تحقق آن امر به اتمام رسیده است و راهی برای جبران نیست. این امر نیز وابسته به حضور نامتقارن معنای امری بر محور زمان است که در حوزه گذشته کاملاً غایب است.

۵. نتیجه

تحلیل داده‌ها نشان داد که در کردی سه ساخت و چهار راهبرد امری موجود است که هر کدام الزامات معناشناختی خاصی دارند که در ترکیب با عملگرهای زمان، نمود و جهتیت به روشنی آشکار می‌شوند. اولاً این ساخت‌ها عمدتاً وابسته به لحظه تولید گفتار (لحظه صفر سخن) هستند، و در صورتی که از این دامنه عبور کنند عمدتاً با عملگرهای وجهی بیان می‌شوند. به عبارت دیگر اگر ساخت امری وابسته به لحظه صفر سخن است، ساخت‌های وجهی (در رابطه با بیان معانی رهنمودی) دامنه گذشته و حال را در برمی‌گیرند. تحلیل داده‌ها نشان داد که ساخت هسته‌ای دوم شخص مفرد استثنایی بزرگ بر این روند غالب امری است. چراکه این ساخت می‌تواند برای امر در آینده نیز استفاده شود. این امر نشان می‌دهد در صیغگان امری، ساخت هسته‌ای دوم شخص بیشترین قدرت و گستره را بر محور زمان دارد.

همچنین نتایج نشان داد که ساخت‌های امری عمدتاً تمایل به ترکیب با افعال پویا و ارادی دارند، چراکه بیان هر امری منوط به این دو مشخصه است. لذا در برخی از ساخت‌ها افعال ایستا و یا غیرارادی در حالت امری نشاندار به نظر می‌رسند. اما اگرچه ساخت امری میزبان افعالی با ویژگی پویایی است، اما این ساخت خصیصه پویایی افعال را طی فرایند تحمیل خنثی کرده، و لذا

این افعال دیگر به هیچ وجه یک رخداد پویای در جریان را تداعی نمی‌کنند. علت این امر این است که پدیدار امری مقدم بر انجام تحقق عمل بوده، و فرایند تحقق عمل را دربر نمی‌گیرد، به همین دلیل افعال موجود در این ساخت مراحل میانی رخداد و فرایند پویای تحقق آن را بازنمایی نمی‌کنند. به همین دلیل عملگرهای استمراری نیز در کردی به هیچ وجه با افعال پویا در ساخت امری (بر خلاف ساخت خبری) ترکیب نمی‌شوند، چرا که پویایی رخداد در این ساخت منتفی شده است. اما عملگرهای ناقص‌سازی که مرحله آمادگی را برجسته می‌کنند به راحتی با ساخت‌های امری ترکیب می‌شوند؛ این امر بدین دلیل است که ساخت امری مقدم بر تحقق و جریان عمل است و همچنین عملگرهای آغازی نیز به همین مرحله آغازین مقدم بر تحقق عمل اشاره می‌کنند، لذا ساخت امری و این عملگرها نوعی تجانس معنایی با هم دارند. در پایان بیان شد که ساخت‌های امری با عملگرهای کامل‌ساز نیز ناسازگاری معنایی دارند؛ بدین دلیل که امر در واقع منوط به یک عمل محقق نشده است لذا نمی‌تواند با چنین عملگرهایی که پایان رخداد را نشان می‌دهند ظاهر شود. به همین دلیل در ترکیب با این عملگرها، ساخت امری عمدتاً بیانگر یک امر محقق نشده گذشته است.

با توجه به این مقدمات می‌توان ماهیت نامتقارن زمانی و نمودی ساخت‌های امری را به روشنی تبیین کرد. این ساخت‌ها توزیع نامتقارنی روی محور زمان داشته، و غالباً به لحظه صفر سخن وابسته هستند. این ماهیت نقطه‌ای زمانی ساخت‌های امری، ماهیت نمودی آن‌ها را نیز نشان می‌دهد که به بهترین شکل خود را در عدم ترکیب‌پذیری آن‌ها با نمودهای استمراری و یا عملگرهای کامل نشان می‌دهد. ساخت امری عمدتاً بیانی است که ماهیت رهنمودی (بیان اراده فرد در لحظه گفتار) داشته و به همین دلیل ماهیت خبری (بیان رخداد و واقعیت) ندارد. پس می‌توان گفت که عبارات رهنمودی عمدتاً فاقد لایه‌های رخدادی غنی (نمود، زمان و نمود دستوری) بوده، و صرفاً چون یک کنش گفتار عمل می‌کنند.

۶. پی‌نوشت‌ها: علائم اختصاری مهم

علامت پسوند خبری: خب

علامت پسوند امری: ام

التزامی: التز

شخص: ش

مفرد و جمع: م و ج

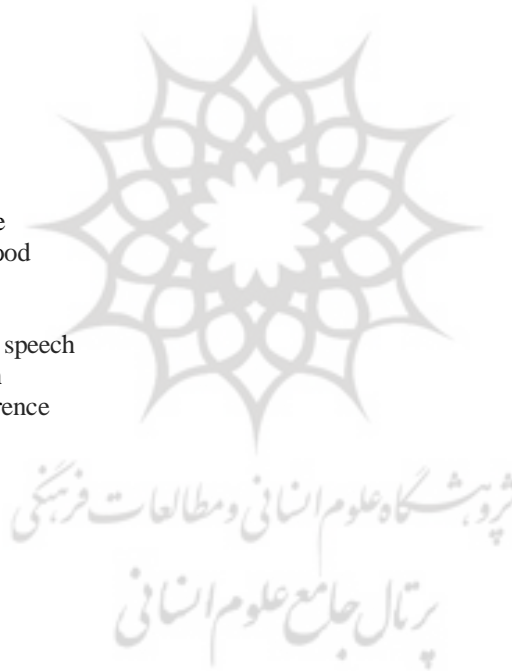
استمراری: اس

معرفه: مع

نکره: نک

ملکی: مل

1. tense
2. mood
3. aspect
4. sentence type
5. sentential mood
6. ideational
7. directive
8. zero point of speech
9. point of even
10. point of reference
11. dynamic
12. duration
13. telic
14. desire
15. power
16. cost
17. obligation
18. reason
19. hortative
20. canonical
21. non-canonical
22. strategy
23. Van der Auwera
24. formal homogeneity
25. maximality/minimality



۲۶. علائم اختصاری برای شرح تکواژهای موجود در هر مثال در پایان مقاله به صورت پی‌نوشت آمده است.

- 27. preparatory phase
- 28. Coercion
- 29. Ingressive

۷. منابع

- انجمن علمی کردی عراق (۱۹۷۶). *دستور سخن کردی (به زبان کردی)*. بغداد: چاپخانه انجمن علمی عراق.
- انجمن علمی کردی عراق (۱۹۸۵). *برخی از مشکلات نحو کردی (به زبان کردی)*. بغداد: چاپخانه انجمن علمی عراق.
- محوی، م. (۲۰۱۱). *مبانی نحو کردی (به زبان کردی)*. سلیمانیه: پیوند.
- نجفی، ش.، ویسی حصار، ر.، و بدخشان، ا. (۱۳۹۵). بررسی نمود ناقص در زبان کردی براساس دستور ساخت‌مدار نشانه‌محور. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب کشور*. ۱۳، ۱۰۵-۱۲۶.
- نیز، ج. (۱۹۷۶). *زبان معیار کردی*. بامبرگ: اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا.
- ویسی حصار، ر. (۱۴۰۰). *ساخت امری در زبان کردی*. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۲۱، ۱۱۱-۱۳۳.
- ویسی حصار، ر. (۱۳۹۴). *زمان و نمود در کردی موکریانی*. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب کشور*. ۱، ۱۰۱-۱۲۴.
- ویسی حصار، ر. (۱۳۹۶). *پژوهش‌های زبان‌شناختی و ادبیات معنایی و نحوی زمان ...* نمود در کردی: از هستی‌شناسی تا دستور. *جستارهای زبانی*، ۳۸، ۱۳۵-۱۸۵.

پرتال جامع علوم انسانی

References

- Aikhenvald, A., & Dixon, R (2017). *Commands: A Cross-Linguistic Typology*. Oxford University Press.
- Aikhenvald, A (2010). *Imperatives and Commands*. Oxford University Press.
- Binnick, R (1991). *Time and the Verb*. Oxford University Press.
- Birjulin, L., & Xrakovskij, V (2001). Imperative sentences: Theoretical problems. In V. Xrakovskij (Ed.), *Typology of Imperative Constructions* (pp. 3-50). Munich: Lincom.
- Comrie, B (1976). *Aspect*. Cambridge University Press.
- Comrie, B (1985). *Tense*. Cambridge University Press.
- Dowty, D (1979). *Word meaning and montague grammar*. Reidel Publishing Company.
- Evans, V (2005). *The structure of time*. John Benjamin.
- Huddleston, R (1984). *Introduction to the grammar of English*. Cambridge University Press.
- Iraqi Kurdish Scientific Association (1976). *Kurdish grammar*. Iraqi Scientific Association Publication [In Kurdish].
- Iraqi Kurdish Scientific Association (1985). *Some issues in Kurdish Grammar*. Iraqi Scientific Association Publication [In Kurdish].
- Jary, M., & Kissene, M (2014). *Imperative*. Cambridge University Press.
- Jary, M., & Kissine, M (2016). When terminology Matters: The imperative as a comparative concept. *Linguistics*, 54(1), 119–148.

- Klein, W (1994). *Time in language*. Routledge.
- Lyons, J (1977). *Semantics volume 2*. Cambridge University Press.
- Mahwi, M (2011). *The syntactic foundations of Kurdish*. Peywan [In Kurdish].
- Moens, M., & Steedman, M (1988). Temporal ontology and temporal reference. *Computational linguistics*, 14(2), 15–28.
- Nabaz, J (1976). *Kurdish standard language*. Union of Kurdish Students in Europe [In Kurdish].
- Najafi-far, Sh., Veisi Hasar, R., & Badakhshan, E. (2016). Investigation of imperfect aspect in Kurdish dialect based on sign-base construction grammar. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 13, 105–126 [In Persian].
- Reichenbach, H (1947). *Elements of Symbolic Logic*. The Macmillan Company.
- Searle, J (1976). A classification of illocutionary acts. *Language in Society*. 1–23. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0047404500006837>
- Smith, C. S (1997). *The parameter of aspect*. Kluwer.
- Takahashi, Hidemitsu (2012). *A cognitive linguistic analysis of the English imperative: With apecial attention to Japanese imperatives*. John Benjamin.
- Van der Auwera, J., Dobrushina, N., & Goussev, V (2005). Imperative-hortative systems. In, M. Haspelmath, M. S. Dryer, D. Gil & B. Comrie (Eds.), *The World Atlas of Language Structures* (pp. 294–297). Oxford University Press.
- Veisi Hasar, R (2015). Tense and aspect in Kurdish. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 8, 101–124.
- Veisi Hasar, R (2107). Aspect in Kurdish: From ontology to syntax. *Language Related Research*, 38, 135–158 [In Persian].

- Veisi Hasar, R (2021). Imperative construction in Kurdish. *Journal of Comparative Linguistic Researches*, 21, 111–133 [In Persian].

